

## ● نقد و معرفی کتاب

### جهانی شدن و جهان سوم

ری کیلی و فیل مارفلیت، *جهانی شدن و جهان سوم*، مترجم: حسن نورائی بیدخت و محمدعلی شیخ علیان، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۸۰)، ۲۷۸ صص.

تجلیات خاص آنها می‌پردازد. در بخش اول این فصل دو رویکرد به جهانی شدن مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این کتاب مسأله جهانی شدن نه به عنوان نظریه‌ای تازه بلکه به عنوان مجموعه‌ای از فرآیندهای تاریخی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد. لذا مسأله مورد نظر کتاب نه جهانی شدن به منزله یک نظریه بزرگ بلکه جهانی شدن به عنوان دستور کار برای پژوهش‌های تجربی ملموس است.

جهانی شدن به دنیایی اشاره دارد که در آن جوامع، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها و اقتصادها تا حدودی به هم نزدیک‌تر شده‌اند. بنا به گفته گیدنز (۱۹۹۰) این مفهوم را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تبیین کرد که مکان‌های دور دست را به گونه‌ای به هم پیوند

این کتاب متشکل از یک مقدمه و ۸ فصل می‌باشد که فصول مختلف آن توسط افراد مختلف به رشته تحریر درآمده است.

کتاب با این جمله شروع می‌شود که دهه ۱۹۹۰ شاهد انتشار مطالب بسیاری درباره مسأله جهانی شدن بوده است. به قول واترز (جامعه شناس) جهانی شدن، اندیشه‌ای کلیدی است که به کمک آن انتقال جامعه بشری به هزاره سوم را درک می‌کنیم.

در این کتاب مسائل ملموسی چون جریان سرمایه، مهاجرت، بهداشت، محیط زیست، فرهنگ همگانی و مطالبی از این نمونه، حتی مذهب و نحوه جهانی‌تر شدن آنها مورد بحث قرار می‌گیرد.

در فصل اول به مسأله جهانی شدن، توسعه و جهان سوم و نابرابری‌های جهان و

می‌دهد که به موجب آن رویدادهای محلی تحت تأثیر حوادثی شکل می‌گیرند که کیلومترها از هم فاصله دارد.

بنابراین جهانی شدن به دو عامل کلیدی اشاره دارد. اولاً بخش‌های بیشتری از جهان به طرف یک نظام جهانی کشانده می‌شوند؛ ثانیاً این احساس وجود دارد که به گونه‌ای سریعتر از وقایع در دیگر نقاط جهان آگاه می‌گردیم که به نوبه خود بر درک ما از زمان و مکان تأثیر می‌گذارد، که در این رابطه جهانی شدن پیوند نزدیکی با توسعه فن‌آوری‌های ارتباطات و شرایط پست مدرن دارد. فن‌آوری‌های نوین ارتباطات، فرهنگ جهانی ارتباطات سریع را گسترش بخشیده که در آن افق‌های زمانی و مکانی سقوط کرده‌اند. در چنین جامعه‌ای مرز بین تصویر و واقعیت از بین می‌رود.

همچنین در کتاب در مورد جهان سوم و توسعه بحث می‌کند و آورده شده که اندیشه توسعه به قرن هیجدهم بر می‌گردد ولیکن از بعد از سال ۱۹۴۵ به راهی اطلاق شده که کشورهای جهان سوم با پیمودن آن به جهان اول نزدیک‌تر می‌شوند. زمینه استراتژی توسعه سر‌آغازی بود برای پایان دادن به امپراتوری و پیدایش جنگ سرد بین دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که هدف آن رشد اقتصادی بود. نظریه‌های غالب توسعه که در فاصله سال‌های ۷۰-۱۹۴۰ ارائه شدند. در واقع عمدتاً بر تفوق و برتری دولت-ملت استوار بودند.

در بخش دیگری از کتاب راجع به توسعه یافتگی صحبت می‌کند و می‌گوید توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی دوروی یک سکه هستند که یکی به دیگری منجر می‌گردد. کلان شهرها با گرفتن مازاد از شهرک‌های اقماری و یا با استفاده از توسعه نیافتگی آنها توسعه می‌یابند. شهرک‌های اقماری یا نواحی پیرامون به صورت مناطقی استثمار شده درآمده‌اند که هرگونه تغییری در آنها صرفاً از طریق ارجاع به نیازهای کاربردی نواحی کلان شهری قابل توجه است. در نظریه عروسک گردانی امپریالیسم رشته‌های شهرک‌های اقماری محلی توسط کلان شهرهای بسیار قدرتمند عربی کشیده می‌شود. در بخش بعدی راجع به اقتصاد سیاسی بحث شده است به این نحو که:

جهانی شد اقتصاد دنیا از توانایی سرمایه برای جابه جایی آزاد فراسوی مرزهای بین‌المللی خبر می‌دهد. این تحرک به ویژه در مورد سرمایه مالی بسیار قوی است. جابه جایی سرمایه از نقطه‌ای به نقطه دیگر به علت پیشرفت فن‌آوری‌های نوین ارتباطات خیلی سریع می‌باشد و این مسأله باعث شده که توان دولت‌ها برای کنترل ارز ملی تضعیف شود. این مسأله جهانی شده‌ترین شکل فعالیت اقتصادی است و این قلمرویی است که نویسندگان از آن به عنوان پایان جغرافیا نام برده‌اند.

کتاب تمایل کلیدی افزایش سرمایه‌گذاری خارجی را نقش دولت می‌داند و

مناطق مرکزی و پیرامون در زمینه ایجاد، کنترل و بهره‌برداری از فن‌آوری‌های زیستی نیز پردازد. در این فصل نشان داده می‌شود که چگونه شرکت‌های فراملیتی به بازسازی بخش‌های خوراکی و دارویی می‌پردازند به شیوه‌ای که احتمالاً به تضعیف بیشتر اقتصاد کشورهای بسیار فقیر وابسته به تجارت محصولات کشاورزی منجر می‌گردد. این شرکت‌ها با استفاده از قانون مالکیت‌های معنوی سعی می‌کنند مالیکت هرگونه ماده ژنتیک به کار رفته در تولیدات خود را در اختیار گیرند و کاربری آینده آن را به انحصار خود درآورند.

مسئله فرهنگ و جهانی شدن در دو فصل ۶ و ۷ توسط دو نفر مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل ششم آمده است از برخی جهات مردم روی زمین از فرهنگ جهانی مشترکی برخوردارند. فن‌آوری‌های نوین اطلاع‌رسانی نقش عمده‌ای در جهانی شدن فرهنگ ایفا کرده است. بعضی از نویسندگان استدلال می‌کنند که توسعه بازارهای فرهنگی جهانی نمایانگر نوعی امپریالیسم فرهنگی است. فرضیه امپریالیسم فرهنگی که مورد انتقاد قرار گرفته، فرهنگ فرستنده و فرهنگ گیرنده را همگن می‌سازد. فرهنگ جهانی به جای آن که تفاوت‌ها و اختلافات محلی را از میان بردارد، عملاً با آنها کنار می‌آید.

در فصل هفتم، بررسی مسئله فرهنگ و جهانی شدن با مطالعه موردی درخصوص

نشان می‌دهد که ظهور کشورهای صنعتی شده جدید درخاور دور را نمی‌توان با نظریه‌های نئوکلاسیک جهانی شدن تشریح کرد. در واقع سطح سرمایه‌گذاری خارجی در این کشورها نسبتاً پایین بوده و دولت در هدایت سرمایه‌های محلی نقش کلیدی ایفا کرده است.

در فصل چهارم برخی از ابعاد جهانی بهداشت و سیاست بهداشتی در ارتباط با جهان سوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و ضمن مقایسه تحولات مربوط به بهداشت در انگلیس قرن نوزدهم با بهداشت در برخی از کشورهای جهان سوم امروز، تفاوت‌های موجود میان این دو تجربه نشان داده می‌شود، به ویژه موضع وابسته کشورهای جهان سوم در اقتصاد جهانی مورد تأکید قرار گرفته و راه‌های پیچیده‌ای که طی آن سیاست‌های غرب گرایانه مربوط به توسعه و بهداشت بریکدیگر تأثیر گذارده و چشم‌اندازهای تازه و نامشخص ایجاد می‌نماید، مورد بررسی قرار می‌گیرد. گفته شده سیاست‌های مربوط به بهداشت عمدتاً تحت تأثیر منافع و اقدامات مجموعه‌ای از سازمان‌های جهانی از قبیل شرکت‌های فراملیتی و بنگاه‌های چندملیتی شکل می‌گیرند.

در فصل پنجم مسائل سیاس پیرامون مسئله تنوع زیست شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. در این بحث نشان داده شده که هرگونه تلاش برای توسعه مطلوب و پایدار بایستی هم‌زمان به نابرابری‌های موجود بین

دنیای متحد است.

در انتها تجربه ایران به بحث کشانده شده و گفته شده، انقلاب اسلامی ایران رویداد سرنوشت سازی در ظهور اسلام‌گرایی و تشدید روند جهانی شدن تلقی می‌گردد. به گفته "به یر"، انقلاب اسلامی باید واکنش مستقیمی به جهانی شدن تلقی شود.

به دنبال رویدادهای ایران جنبش‌های اسلام‌گرایانه به سرعت در جهان عرب رشد یافت و در برخی نواحی آفریقا و آسیای مرکزی نیز ظاهر شد.

به طور کلی اگرچه در فصول مختلف با مجموعه متنوعی از زمینه‌های تحقیق و تفحص سروکار داریم ولی دورنمای اصلی آنها یکی است که عبارتند از: اولاً جهانی شدن به روندهایی اطلاق می‌شود که مستلزم بازرسی‌های تجربی ملموس هستند؛ ثانیاً این روندها واقعی هستند اما از برخی جهات محدود می‌باشند؛ ثالثاً این روندها از بین نخواهد رفت و احتمالاً توسعه نابرابر را تشدید خواهد ساخت و لذا جهانی شدن تاجایی که وجود دارد، به گونه‌ای متمایز و نابرابر در جهان امروز تجربه شده است.

زهره طاهری امین

مرکز مطالعات استراتژیک و تئوریک

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

صنعت موسیقی می‌پردازد. در این بخش ضمن انتقاد از برداشت‌های خام و ناپخته از امپریالیسم فرهنگی گفته شده این بدان معنی نیست که یک میدان بازی مسطح و هموار پدیدار شده است. بلکه برعکس منطقی کاپیتالیسم به طور کلی هدف دست‌یابی به توزیع بوده و پیشبرد هنرمندان خاص را ترغیب می‌نماید.

در ادامه آمده است به‌رغم این که عده‌ای معتقدند که جهانی شدن یعنی قرار گرفتن سر رشته کارها در دست غرب، عده‌ای دیگر رستاخیز اسلام‌گرایی را به عنوان یک نیروی جهانی و در عین حال غرب ستیز شناسایی کرده‌اند. در محافل رسمی‌تر و محافظه‌کار تر توجه فزاینده‌ای به "خطر اسلامی" و برخورد تمدن‌های شرق و غرب مبذول گردیده است (هانتینگتون ۱۹۹۳).

در فصل بعد اگرچه سعی شده تمایزی میان این دو قایل شود، ولی نشان داده می‌شود در مورد هر دو چشم‌انداز راجع به وحدت اسلام و در سطح کلی‌تر وحدت مذاهب مبالغه شده است. در این فصل ظهور فعال‌گرایی اسلامی و الهیات آزادبخواه (جنبش آزادبخواهانه کشیشان امریکای لاتین) تا حدودی توسط روندهای جهانی توضیح داده شده است. نظریه پردازان جهانی شدن مذهب، معتقدند جهانی شدن و مذهب ارتباط تنگاتنگ دارند. در نظریه جهانی شدن، رستاخیز مذهبی تجلی مهمی از یک